

اعتماد و ایمان از دست تان می‌آید: اسحاق و اب‌راهیم

کودکان ب‌رای مقدس که تاب از دست تان می‌آید

قرار، امروز این آماده مقدس که تاب از دست تان می‌آید گریز شد گفت دست تان یک ب‌رای آید! یک و چو له و هلا سلام خدا ب‌ه عمیق‌ای ایمان اب‌راهیم چه گونه این که و، ب‌شدنویم اسحاق ب‌سرش و اب‌راهیم درب‌اره است! یک نیم شروع ب‌یاید داد نشان

---

اب‌راهیم ب‌ه خدا وعده

اطاعت او از ک‌ردمی سعی ه‌یشه و داشت دوست را خدا او. ب‌م‌اپ‌راه نام ب‌ه ب‌ود مردی، قدیم ه‌ی‌زمان در یک‌ند

ب‌ه ات‌خاندان واده، او طریق از و داد خواهم ب‌سری ت‌و ب‌ه من: «داد وید ژه ای وعده اب‌راهیم ب‌ه خداوند روزی! شد خواهند ت‌ب‌دیل ب‌زرگ م‌لتی»

ب‌ودند ب‌یر ب‌لی‌خ شدن دار ب‌چه ب‌رای - ب‌ودند ب‌یر ب‌س‌یار، سارا، ه‌سرش و اب‌راهیم، زمان آن در! ک‌رد عمل اش وعده ب‌ه خدا شد؟ چه ب‌زند حدس و. ک‌رد اعتماد خدا ب‌ه اب‌راهیم اما

معنی ب‌ه که نام ب‌دند اسحاق را او آنها. آوردند ب‌پ‌ه ب‌سری سارا، شد ساله ۱۰۰ اب‌راهیم وقتی ب‌ود خندیده، شدند را خدا وعده ب‌ار اول ب‌ین ب‌رای وقتی سارا زی‌را، است «خنده»

ب‌زرگ م‌لتی ب‌ه او طریق از اب‌راهیم خاندان واده که ب‌ود داده وعده خدا زی‌را ب‌ود خاص س‌یارب اسحاق... داد رخ ای غ‌یر منظره ات‌فاق ناگهان اما. شد خواهند ت‌ب‌دیل

---

دشوار آزمونی

ک‌رد آزمایش را اب‌راهیم ایمان خدا، روزی

عنوان ب‌ه را او اهم‌خومی آنجا در ب‌روک و ب‌ه و ب‌ردار را اسحاق ب‌سرت، اب‌راهیم: ب‌گفت او «ک‌نی ت‌قدیم من ب‌رای ق‌ربانی»

داشت اعتماد خدا ب‌ه کاملاً اب‌راهیم اما ب‌ود داده وعده او ب‌ه خدا که ب‌سری، ب‌ود اب‌راهیم ب‌سرت آنها. دارد خوبی ن‌قشه ه‌یشه خدا که دانست می‌اما، چرا ف‌هم ب‌دنی او

خدمت‌کار دو و اسحاق و ک‌رد زین را خود الاغ، ب‌رخاست اب‌راهیم، ب‌عد روز زود صد ب‌ح، ب‌نا ب‌راین ب‌رد موریا که و ب‌ه س‌فری ب‌ه را

---

ک‌وهس تان ب‌ه س‌فر

ب‌گفت خادمانش ب‌ه اب‌راهیم س‌پس ب‌رسیدند که و ب‌ه تا ک‌ردند س‌فر روز سه آنها

«ب‌گ‌ردید ب‌رمی س‌پس و روی می‌ک‌وه ب‌الای ب‌ه ع‌بادت ب‌رای اسحاق و من ب‌مان ای نجا»

اعتماد اما، چه گونه دانست می‌ب‌گ‌ردید روی او ب‌اسحاق، ن‌حوی ب‌ه که داشت ایمان اب‌راهیم شدند ب‌دی؟ ب‌گ‌داشت خواهد او ب‌ای ب‌یش راهی خدا که داشت

اسحاق، رف تندی راه که هاند طور. را چاقو و آتش اب راهیم و ک ردمی حمل را قربانی هیزم اسحاق  
پرسید:

«ک جاست؟ قربانی پره اما، داریم هیزم و آتش ما، پدر»

«یک رد خواهد فراهم را پره خدا، پسر» داد پاسخ ملایمت با اب راهیم

---

### شودمی آزمایش اب راهیم ایمان

پرا او و بست را اسحاق سد پس. ساخت قربان گاهی اب راهیم، رسد بندد که وه قله به وقتی  
گذاشت قربان گاه

زرد فریاد آسمان از صدای، بررد بالارا چاقویش که زمانی درست

حاضر زی را، داری اتمام من به واقعاً که دانم می حالا. نرسان آسبیب پسر به! پاید است! اب راهیم»  
«پگذری پسرست تنها از پودی

فراهم ای قربانی خدا! و داف تاده گبر هلب و ته در که دید را قوچی و آورد بالارا سرش اب راهیم  
! پودگفته اب راهیم که هاند طور درست - پود کرده

کرددت قدیم خدا به قربانی عنوان به را قوچ هم با آنها و کرد آزاد را اسحاق اب راهیم

کردت تکرار را خود وعده او. داد برکت را او خدا، اب راهیم اطاعت و ایمان

مردم همه، توند سلطریق از و شد خواهد تبدیل بزرگ مادی به ت و خاندان، کردی اطاعت من از چون»  
«یافت خواهند برکت زمین

---

### الهی طرح از تصویر

. آموزدمی ما به خدا به ت وکل مورد در بزرگی درس دستان این

! دارد اشاره مسیح عیسی به چه چنین اما

- پود پدرش محبوب پسر عیسی، اسحاق ماند درست
  - ک ردمی حمل را صلبیب عیسی، ک ردمی حمل را هیزم اسحاق که هاند طور
  - عیسی خدا، بعداً که هاند طور درست - ک رد فراهم قوچی خدا، اسحاق شدن قربانی جای به اما  
ک رد فراهم ماگ ناهن قربانی عنوان به را
- 

### اسحاق و اب راهیم از های درس

1. را اشروری خدا و کرد اطاعت اما، نه فهمید اب راهیم یک نیم ت وکل خدا به پاید هیشه ما  
رساند
2. این و، دهد برکت را اب راهیم خانواده که داد قول او یک ندمی عمل های شوعده به هیشه خدا  
! کرد را کار
3. ماهه برای عیسی طریق از بعداً و، اب راهیم برای اول— ک رد فراهم ای قربانی خداوند

---

بگيريم؟ ياد توانيم چه

- فهميم كه وقتى حتى، كه نيم اعتماد خدا به ما، ابراهيم مانند
- كه نديم فراهم داريم نياز كه را آنچه هميشه خدا
- اسحاق پراى راقوچ كه همانطور درست - دهند نجات را ما تا داد را، عيسى، پسرش خداوند  
! كه رد فراهم

---

ابراهيم مانند درست، باشد يم داشته ايمان خدا به هميشه ما كه باشد! داديد گوش كه ممنون